

Jurisprudence and Private Law Quarterly, Year 1, No:1, Spring 2024

A Study of the Procedures for Liquidating Bankrupt Banks (A Comparative Study of American and Iranian Legal Codes)

Khadijeh Shirvani ¹

Mohammad Isai Tafreshi ²

Abstract: It was after the 1929 Great Recession in the United States that the world economy suffered heavy losses and Iranian officials began paying attention to the bankruptcy of the banks and its highly negative impacts on the national economy. Consequently, the lawmakers came to the conclusion that rules and regulations on bankruptcy of the commercial corporations are not sufficient for verifying bankruptcy of the banks – which are considered commercial corporations in kind. On this basis, the United States has tried to consider certain rules and regulations for bankruptcy of banks, thanks to their role in national economy and their differences from the commercial corporations. The bankruptcy code for banks and financial institutions in the United States is called Resolution Regime. It is the government's legal framework that resolves a failed bank in an orderly way to prevent the collapse of financial markets and the country's financial system, to continue key services by the banks and to prevent the burden of bankruptcy on the government and taxpayers. In Iranian law, the bankruptcy regime of the banks is not a hundred percent apart from the bankruptcy of the corporations. In case of the bankruptcy of a bank, the Trade Law rules and regulations on bankruptcy will be considered as general rules and other monetary and banking rules and regulations will be particular ones. In case of the silence of the particular laws, the general rules and regulations will be applicable in case of the bankruptcy of the banks. In U.S. law, liquidation is the last step to deal with a bankrupt bank, while in Iranian law - since there is no substitute method for liquidation - the bankrupt bank starts liquidation immediately after receiving the order of bankruptcy.

Keywords: bank, bankruptcy, non-systemic, liquidation, American law, Iranian law.

1. Ph.D. Graduate in Jurisprudence and Private Law, Shahid Motahari University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) (Khadije.shirvani@yahoo.com)

2. Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. (tafreshi@modares.ac.ir)

فصلنامه فقه و حقوق خصوصی
سال اول، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳
(صص ۷۴-۴۷)

بررسی فرآیند تصفیه بانک‌های ورشکسته (مطالعه تطبیقی در حقوق امریکا و ایران)

خدیجه شیروانی^۱

محمد عیسائی تفرشی^۲

چکیده: توجه به ورشکستگی بانک‌ها و تأثیرات بسیار منفی آن در اقتصاد کشور، از بحران بزرگ اقتصادی که در سال ۱۹۲۹ در امریکا شروع شد و پس از آن به تمام دنیا سرایت کرد، آغاز شد و قانون‌گذاران به این نتیجه رسیدند که مقررات عام ورشکستگی شرکت‌های تجاری برای رسیدگی به ورشکستگی بانک‌ها - که شرکت تجاری محسوب می‌شوند - کفایت نمی‌کند. بر این اساس، در ایالات متحده امریکا سعی شده است با توجه به نقش بانک‌ها در اقتصاد کشور و تفاوت‌هایی که با سایر شرکت‌های تجاری دارند، مقررات خاصی برای ورشکستگی آنها در نظر بگیرند. در این کشور نظام حقوقی حاکم بر ورشکستگی بانک‌ها به «Resolution Regime» معروف است که به «گزیرو یا حل و فصل» ترجمه شده است. مهم‌ترین اهداف این نظام عبارتند از پیشگیری از اختلال‌های زنجیره‌ای در نظام مالی کشور، ادامه یافتن خدمات کلیدی بانک‌ها و عدم تحمیل عواقب ورشکستگی این بنگاه‌ها بر دولت و مؤدیان مالیاتی.

در حقوق ایران نظام ورشکستگی بانک‌ها به طور کامل از نظام ورشکستگی شرکت‌ها جدا نیست و در صورتی که بانکی ورشکست گردد، مقررات قانون تجارت در زمینه ورشکستگی مقررات عام، و سایر مقررات پولی و بانکی خاص محسوب می‌شوند. در نتیجه، در صورت سکوت مقررات خاص، مقررات عام قانون تجارت در زمینه ورشکستگی اعمال می‌گردند. در حقوق امریکا تصفیه، آخرین روش برخورد با بانک ورشکسته است، در حالی که در حقوق فعلی ایران با توجه به اینکه روش جایگزینی برای تصفیه وجود ندارد، به محض صدور حکم ورشکستگی، بانک وارد فرآیند تصفیه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: بانک، ورشکستگی، نظام گزیرو، تصفیه، حقوق امریکا، حقوق ایران.

۱. دانش‌آموخته دکتری فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

(khadije.shirvani@yahoo.com)

۲. استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

(tafreshi@modares.ac.ir)

مقدمه

بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی در اقتصاد کشورها نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند؛ چنانکه انتشار اسکناس، نگهداری وجوه اقشار متفاوت جامعه در حجم گوناگون، توزیع و گردش پول، وساطت برای عرضه و تقاضای سرمایه و به کار انداختن سرمایه‌های راکد جامعه، ارائه تسهیلات، امکانات و خدمات رفاهی - مالی بخشی از خدمات بانک‌ها در جامعه محسوب می‌شود.

ورشکستگی بانک‌ها تأثیر قابل توجهی بر قشر گسترده‌ای از اشخاص از جمله سپرده‌گذاران، سهام‌داران، مدیران و ... دارد به نحوی که می‌تواند تأثیرات غیر قابل انکاری بر اقتصاد کشور داشته باشد. به همین دلیل، در بیش‌تر نظام‌های حقوقی دنیا سعی شده است با توجه به نقش بانک‌ها در اقتصاد کشور و تفاوت‌هایی که با سایر شرکت‌های تجاری دارند، مقررات خاصی برای ورشکستگی آنها در نظر گرفته شود. برای مثال، در حقوق آمریکا اگر شرکتی ورشکست گردد به موجب قانون ورشکستگی^۱ در دادگاه‌های ورشکستگی به آن رسیدگی می‌شود، اما رسیدگی به امور بانک ورشکسته مطابق قانون بیمه سپرده فدرال^۲ با شرکت بیمه سپرده فدرال^۳ است و بر خلاف شرکت‌ها دادگاه در فرآیند ورشکستگی‌شان نقشی ندارد.

در این نظام، تنظیم گران بانک‌ها - اشخاصی که طبق قانون مجوز تأسیس بانک را صادر کرده‌اند - از زمانی که بانک با بحران مواجه می‌گردد تا زمانی که اقدامات نهایی مربوط به بانک با توجه به ابزارهای گزیر انجام شود، دخالت دارند و دادگاه نقش محدودی در خصوص تجدید نظر در برخی از تصمیمات این تنظیم گران دارد. در این نظام در صورتی که تنظیم گران تشخیص دهند بانک با توجه به معیارهای ورشکستگی ویژه‌ای که دارند، وضعیت مطلوبی ندارد، ابتدا به مدیران بانک اخطار می‌دهند و اگر مدیران در مدت زمان تعیین شده برای پیشگیری از ادامه این وضعیت اقدامی به عمل نیاورند، به شرکت بیمه سپرده فدرال به عنوان مدیر تصفیه اطلاع می‌دهند و شرکت مذکور بانک را وارد فرآیند گزیر می‌کند.

فرآیند گزیر، ابزارهای متعددی را در اختیار شرکت بیمه سپرده فدرال قرار می‌دهد که مهم - ترین آنها ابزار خرید و پذیرش تعهد است. اگر به هر دلیلی استفاده از این روش‌ها ممکن نبود،

^۱ USC 11, Bankruptcy

^۲ Federal Deposit Insurance Act

^۳ Federal Deposit Insurance Corporation

شرکت بیمه سپرده فدرال، اموال و دارایی‌های بانک را نقد می‌کند و دیونش را تصفیه می‌کند و در نهایت بانک منحل می‌گردد.

هدف نهاد تصفیه خاتمه فعالیت بانک و نقد کردن دارایی‌های آن است. به همین علت هدف مدیر تصفیه به حداکثر رساندن ارزش دارایی‌های بانک به نفع تمامی طلبکاران از جمله دولت (در صورتی که حمایت مالی از بانک از سوی دولت انجام شده باشد) و صندوق بیمه سپرده‌ها است. در ایالات متحده آمریکا، روش و زمینه برای نصب مدیر تصفیه عموماً شبیه انتصاب محافظ اموال است. مدیر تصفیه جهت انحلال بانک ورشکسته، شرکت بیمه سپرده فدرال است. اختیارات مدیر تصفیه مانند اختیارات محافظ اموال است، جز اینکه دریافت‌کننده مطالبات این اختیار را دارد که بانک را وارد مرحله تصفیه نماید، اما محافظ اموال این اختیار را ندارد. در حقوق ایران، امر تصفیه شرکت‌ها در دو صورت انجام می‌شود: یکم، انحلال شرکت به روشی غیر از ورشکستگی و دوم، انحلال شرکت در نتیجه ورشکستگی. در مورد ورشکسته، منظور از تصفیه، جمع‌آوری و تعیین میزان اموال ورشکسته و تقسیم دارایی وی پس از نقد کردن آن میان طلبکاران است (اسکینی، ۱۳۸۸: ۱۰۵).

در ادامه در خصوص چگونگی تصفیه بانک ورشکسته بحث می‌شود. لازم است ذکر شود که قانون پولی و بانکی کشور (مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸) در خصوص نحوه تصفیه امور بانک ورشکسته مقررات چندانی ندارد و بنابراین، مقررات قانون تجارت در باب ورشکستگی و قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی (مصوب ۱۳۱۸/۴/۲۴) اجرا می‌شود. این روش همان روش پرداخت کامل سپرده^۱ است که به تشریح آن خواهیم پرداخت. روش مذکور در حقوق آمریکا به ندرت مورد استفاده قرار می‌گیرد، زیرا روند نقد کردن اموال بانک بسیار گران و پرهزینه است و علاوه بر این، شرکت بیمه سپرده فدرال باید از پیش برای پرداخت‌های سریع به سپرده‌گذاران بیمه شده اقدام کند که این امر بسیار وقت‌گیر است.

¹ Deposit Payoff

۱- حفظ و نگهداری دارایی بانک ورشکسته

۱-۱- حقوق امریکا

به منظور بسته شدن بانک، شرکت بیمه سپرده فدرال فوراً اموال، مدارک و محوطه بانک را توقیف و تأمین می‌کند. پول‌ها شمارش می‌شوند و قفل‌های بیرونی تعویض می‌شوند. شرکت بیمه سپرده فدرال همه حساب‌ها را بر اساس تاریخ بسته شده بانک مسدود می‌کند و تمام موارد ثبت شده لازم را به دفتر کل بانک ورشکسته وارد می‌کند. شرکت بیمه سپرده فدرال روند «متعادل‌سازی مؤسسه» را که در آن صورت حساب نهایی برای بانک ورشکسته تشکیل می‌شود، آغاز می‌کند. مجموعه دفاتر و دستگاه‌های نگهداری اطلاعات که نشان‌دهنده وضعیت اموال و دیون بانک ورشکسته است، همگی آماده می‌شوند. شرکت بیمه سپرده فدرال به عنوان مدیر تصفیه فهرستی شامل اطلاعات، اموال و دیون بانک ورشکسته تهیه می‌کند. توافق‌نامه‌ها و فهرست صندوق‌داران بانک ورشکسته چک می‌شوند و حساب‌های آن بسته می‌شوند. تمامی موارد تبلیغاتی بانک ورشکسته نابود می‌شوند. اوراق اعتباری، یادداشت‌ها، تضمین‌ها و وثیقه‌های غیر املاک و مستغلات که برای اعطای وام‌ها از مشتریان گرفته شده‌اند، فهرست و تأمین می‌شوند. هم‌چنین، تحقیقات مربوط به مؤسسه‌های وابسته‌ای که ممکن است مسئول ورشکستگی بانک محسوب شوند و ادعاهای علیه آنها آغاز می‌شود (Ragalevsky & Ricardi, 2009: 885).

۱-۲- حقوق ایران

به موجب ماده ۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی (مصوب ۱۳۱۸/۴/۲۴) «همین که حکم ورشکستگی قابل اجرا شد، رونوشت حکم به اداره تصفیه و اداره ثبت محل فرستاده می‌شود». علاوه بر این، ماده ۱۳ قانون مذکور بیان می‌کند: «همین که حکم ورشکستگی قابل اجرا شد و رونوشت آن به اداره تصفیه رسید، اداره تصفیه صورتی از اموال ورشکسته برداشته، اقدامات لازم از قبیل مهر و موم برای حفظ آنها به عمل می‌آورد».

۲- تشخیص مطالبات بانک ورشکسته

۲-۱- حقوق امریکا

پس از اینکه شرکت بیمه سپرده فدرال به عنوان مدیر تصفیه منصوب شد، باید فوراً اختاریه‌ای را

برای طلبکاران بانک ورشکسته ارسال کند تا ادعاهای خود را ظرف مدت تعیین شده که نباید بیش تر از ۹۰ روز از تاریخ ارسال اخطاریه باشد، به شرکت مذکور اعلام کنند. این اخطار باید یک ماه و دو ماه پس از نخستین اخطار مجدداً چاپ و برای طلبکاران ارسال شود. هم چنین، شرکت بیمه سپرده فدرال باید همان اخطار را به طور مستقیم به هر یک از طلبکارانی که نامشان در دفترهای بانک وجود دارد بفرستد. اگر شرکت بیمه سپرده فدرال به این نتیجه برسد که طلبکاری وجود دارد که نامش در دفترهای بانک نیامده است، باید ظرف ۳۰ روز از زمان کشف اخطار مربوط به تصفیه را برای طلبکار بفرستد (Ragalevsky & Ricardi, 2009: 886).

مطابق ماده ۱۸۲۱ قانون بانکها و بانکداری ایالات متحده امریکا، شرکت بیمه سپرده فدرال به عنوان مدیر تصفیه بانک ورشکسته در خصوص ادعاهای مطرح شده علیه بانک، با توجه به دلایل ابرازی مدعیان تصمیم گیری می کند. دلایل اثبات ادعاها باید توسط خواهانها ظرف مدت ۹۰ روز پس از تاریخ انتشار اطلاعیه تصفیه به شرکت بیمه سپرده فدرال تسلیم شود. تمام طلبکاران عادی از جمله اشخاصی که ممکن است علیه بانک ورشکسته در مدت زمان تصفیه در دادگاه اقامه دعوا کرده باشند، باید در شرکت بیمه سپرده فدرال تشکیل پرونده دهند. شرکت بیمه سپرده فدرال ۱۸۰ روز فرصت دارد که این ادعاها را رد یا تأیید کند.

اگر ادعایی رد شود، طلبکاران برای رسیدگی به پرونده یا تجدیدنظر اداری ۶۰ روز فرصت دارند. اگر به ادعایی توسط شرکت بیمه سپرده فدرال در ظرف ۱۸۰ روز از تاریخ ثبت آن اثر داده نشود، این ادعا خود به خود رد می شود. ادعاهایی پذیرفته شده هستند که به موقع ثبت شوند و شرکت بیمه سپرده فدرال به عنوان مدیر تصفیه آنها را تأیید و قبول کرده باشد. قدرت قانونی زیادی به شرکت بیمه سپرده فدرال به عنوان مدیر تصفیه بانک ورشکسته اعطا شده است، که در ادامه بیش تر روشن می شود.

به موجب مواد ۱۸۲۱ و ۱۸۲۳ قانون بانکها و بانکداری امریکا، برای اینکه یک ادعا که منشأ آن قرارداد است بتواند علیه شرکت بیمه سپرده فدرال به عنوان مدیر تصفیه بانک ورشکسته یا در حدود صلاحیت شرکتی آن با موفقیت طرح گردد، لازم است که قرارداد شرایط زیر را داشته باشد:

(۱) کتبی باشد.

(۲) به وسیله بانک ورشکسته و شخصی که به موجب آن قرارداد منافع متقابلی را ادعا می کند

هم‌زمان با تحصیل اموال اجرا شده باشد (برای مثال در آن زمان وامی گرفته باشد).
 ۳) به وسیله هیأت داوران و یا کمیته وام بانک ورشکسته تأیید شده باشد که این تأیید باید در صورت جلسه‌ای که توسط بانک ورشکسته نگهداری می‌شود منعکس شده باشد.
 بنابراین، یک ادعا برای نقض یک قرارداد شفاهی که ممکن بود پیش از ورشکستگی بانک علیه آن بانک قابل اجرا باشد، پس از ورشکستگی‌اش علیه شرکت بیمه سپرده فدرال در مقام مدیریت تصفیه بانک ورشکسته قابل طرح نیست و در صورت طرح، شرکت به آن توجه نمی‌کند. ادعاهای مسئولیت مدنی بر مبنای نقض قرارداد از جمله فریب، ارائه اطلاعات نادرست، توطئه، دخالت‌های نابجا به همین ترتیب رد می‌شوند.

ادعای جبران خسارت علیه شرکت بیمه سپرده فدرال به عنوان مدیر تصفیه به موجب قاعده قطعی و ثبات^۱ که در ماده ۱۸۲۱ مطرح شده است از تاریخ تصفیه رد می‌شود. تنها خساراتی را می‌توان علیه شرکت بیمه سپرده فدرال مطرح کرد که خسارات واقعی یا مستقیم باشند. خسارات غیرمستقیم همچون از دست دادن منافع یا خسارات ناشی از درد و آسیب‌های روانی علیه شرکت مذکور مسموع نیستند. شخصی که ادعا می‌کند ضرر فاحش و جدی به او وارد شده، نمی‌تواند ادعای خسارات تنبیهی کند؛ چرا که این خسارات علیه شرکت بیمه سپرده فدرال قابل طرح نیستند (Ragalevsky & Ricardi, 2009: 888).

۲-۲- حقوق ایران

اداره تصفیه باید صورتی از طلبکاران احتمالی تاجر ورشکسته تهیه کند. مطابق ماده ۴۴۹ قانون تجارت این صورت با استفاده از دفترها و اسناد تاجر و اطلاعات دیگری که اداره تصفیه تحصیل می‌کند، تنظیم می‌شود (ماده ۳ نظام‌نامه امور ورشکستگی قانون تجارت). اداره تصفیه پس از تنظیم صورتی از طلبکاران، از طریق آگهی در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار، از آنان دعوت می‌کند. آگهی مزبور باید بر اساس بند ۱ ماده ۲۴ قانون اداره تصفیه متضمن نام، مشخصات، محل اقامت و تاریخ توقف ورشکسته باشد. هم‌چنین، باید در آن به بستانکاران و کسانی که ادعایی دارند اخطار داده شود ادعای خود را ظرف دو ماه به اداره تصفیه اعلام کنند و مدارک خود را به اداره تصفیه ارائه دهند (بند ۲ ماده ۲۴ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی). مطابق

¹ Fixed and Certain Rule

ماده ۴ نظام نامه امور ورشکستگی قانون تجارت این مدت برای طلبکاران مقیم خارج سه ماه از تاریخ نشر آخرین آگهی تعیین شده است.

ماده ۴۶۲ قانون تجارت مقرر می دارد: «پس از صدور حکم ورشکستگی، طلبکارها مکلفند، در مدتی که به موجب اخطار مدیر تصفیه در حدود نظام نامه وزارت عدلیه معین شده، اسناد طلب خود یا سواد مصدق آن را به انضمام فهرستی که کلیه مطالبات آنها را معین می نماید، به دفتردار محکمه تسلیم کرده قبض دریافت دارند». به محض اینکه حکم توقف شخص ورشکسته صادر شود، بستانکاران قانوناً هیأت واحدی را تشکیل می دهند و اگر بخواهند از حقوق خود نسبت به تاجر ورشکسته استفاده نمایند، باید بر اساس ماده ۴۶۲ قانون تجارت، اسناد طلب خود را با منضمات آن تسلیم کرده، قبض دریافت کنند. بنابراین، وحدت مشکله آنها قانونی و اجباری است (ستوده تهرانی، ۱۳۹۳، ج ۴: ۱۵۲). طلبکاران بانک ورشکسته عبارتند از: (الف) سپرده گذاران؛ (ب) طلبکارانی که منشأ طلبشان غیر از سپرده است و (ج) سهامداران.

۳- نقد کردن اموال بانک ورشکست و کسر هزینه های ورشکستگی

۳-۱- حقوق امریکا

۳-۱-۱- نقد کردن اموال

پس از انتصاب رسمی شرکت بیمه سپرده فدرال به عنوان مدیر تصفیه بانک ورشکسته توسط مقام تنظیم گر اصلی اش، شرکت مذکور فوراً فرآیند تعیین اموال و دیون بانک ورشکسته را تعیین می کند، اموال آن را نقد می کند، تمامی دیون و ادعاهای علیه بانک ورشکسته را حل و فصل می کند و قیمت اموال نقد شده را بین طلبکاران بانک ورشکسته تقسیم می کند. کنگره اختیارات وسیع و مهمی را به شرکت بیمه سپرده فدرال جهت اعمال این وظایف داده است. شرکت بیمه سپرده فدرال به عنوان مدیر تصفیه بانک ورشکسته، برای اجرای حقوق و اختیارات و امتیازات بانک ورشکسته جانشین سهام داران، مسئولین و مدیران آن می شود. شرکت بیمه سپرده فدرال بدون نظارت دادگاه یا تنظیم گران دیگر اموال بانک ورشکسته را به فروش می رساند. البته در این زمینه باید در نظر داشت که شرکت بیمه سپرده فدرال اموال بانک ورشکسته را باید به بیشترین قیمت به فروش برساند و نیز هر گونه آسیبی به صندوق بیمه شرکت مذکور را در حد توان به حداقل برساند.

۲-۱-۳- کسر هزینه‌های ورشکستگی

پس از اینکه اموال بانک نقد شد، هزینه‌هایی که شرکت بیمه سپرده فدرال به عنوان مدیر تصفیه در فرآیند تصفیه کرده است، از منابع مالی بانک در حال تصفیه کسر می‌گردند.

۲-۲- حقوق ایران

۱-۲-۳- نقد کردن اموال بانک ورشکسته

قائم مقام قانونی شخص ورشکسته در فروش اموال وی دارای اختیار قانونی است. به این لحاظ اگر مدیر تصفیه و عضو ناظر عمل کنند، بر اساس مواد ۴۵۷ و ۵۱۰ قانون تجارت (مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳) و نظام‌نامه تصفیه امور ورشکستگان مصوب ۱۳۱۱ عمل می‌شود. در مقابل، اگر اداره تصفیه اقدام کند، فروش اموال تابع ماده ۴۰ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی است. اداره تصفیه یک حساب بلند مدت برای ورشکسته با حق انحصاری برداشت اداره تصفیه در بانک افتتاح می‌کند تا وجوه حاصل از فروش اموال به آن واریز گردد. به مبلغ این حساب‌ها به عنوان سپرده‌های غیردولتی سود تعلق می‌گیرد که هنگام پرداخت مطالبات بستانکاران ملحوظ می‌گردد (صقری، ۱۳۸۸: ۳۷۰-۳۶۹).

اگر هدف این باشد که فرآیند حل و فصل (گزیر) بومی و وارد مقررات کشور گردد، باید همانند ایالات متحده امریکا، ارزیابی اموال پیش از تصمیم به تصفیه انجام شود. به بیان دیگر، یکی از مقدمات حل و فصل (گزیر) این است که اموال بانک ارزیابی شوند تا تعیین گردد کدام روند به نفع بانک است و هم‌چنین، پیشنهاد فروش بانک به سایر بانک‌ها هم مقدور باشد. این ارزیابی توسط کارشناسان خبره و با جلب نظر کارشناس رسمی دادگستری انجام می‌شود که با توجه به اینکه بانک‌ها دارایی‌های زیادی دارند، این کار ممکن است کمی زمان‌بر باشد.

در ادامه در خصوص روش‌های فروش دارایی‌های بانک بر اساس قانون تجارت به اختصار توضیح داده می‌شود.

الف) فروش‌های ابتدایی

به نظر می‌رسد دارایی‌های بانک به گونه‌ای است که اشیای فاسد شدنی در بین آنها وجود ندارد، اما اگر در بین اموال بانک اموالی وجود داشته باشد که نگهداری آنها غیر ضروری یا مشکل باشد

یا با توجه به تغییرات نرخ تورم بازار با مشکل افت قیمت مواجه شوند، یا اموال موضوع بند ۲ ماده ۴۰ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی، یعنی اموالی که در بورس یا بازار قیمت معینی دارند، مانند اوراق بهادار، اداره تصفیه از آغاز صدور حکم ورشکستگی بانک می تواند آنها را بفروشد.

ب) فروش های اصلی

اداره تصفیه امور ورشکستگی به عنوان قائم مقام قانونی بانک ورشکسته پس از قطعیت حکم ورشکستگی بانک و احراز اینکه هیچ یک از روش های حل و فصل (گزیر) در مورد بانک کارایی ندارند، سایر اموال بانک ورشکسته را به فروش می رساند. اموال بانک را می توان به سه دسته تقسیم کرد: اموال منقول، اموال غیر منقول و اشیای مورد وثیقه. با توجه به اینکه فروش این اموال مطابق قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی است و در مورد بانک خصوصیتی ندارند که بحث متمایزی را ایجاد کند، در ادامه به اختصار در خصوص فروش هر یک از اموال مذکور توضیح داده می شود. اموال منقول این اموال شامل کالا، لوازم دفتری، تلفن، اتومبیل و ... بانک ورشکسته است. در مورد این اموال شرایط فروش حداقل ۱۰ روز پیش از مزایده در دفتر اداره در دسترس عموم قرار می گیرد و هر کس می تواند اطلاعات لازم را در این خصوص کسب کند. آگهی فروش شامل مکان، روز و ساعت مزایده است. در روز مزایده اموال منقول بعد از سه مرتبه به صدای بلند حراج چی به کسی که حداکثر قیمت را پیشنهاد کرده است، واگذار می شود. (ستوده تهرانی، ۱۳۹۳، ج ۴: ۲۶۹).

اموال غیر منقول بانک ورشکسته هم باید به روش مزایده به فروش برسند. اما مطابق قانون آگهی فروش شامل مکان، روز و ساعت مزایده باید یک ماه پیش از اقدام به فروش به عمل بیاید^۷ و برای طلبکارانی که حق وثیقه غیر منقول دارند، نسخه ای از آگهی فرستاده می شود و ارزیابی که به عمل آمده به آنها اعلام می شود.

۲-۲-۳- کسر هزینه های ورشکستگی

ماده ۴۶ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی، به منظور تقسیم وجوه میان طلبکاران، مقرر می دارد: وقتی که پول حاصله از فروش در دسترس اداره قرار گرفت و صورت بستانکاران قطعی گردید، اداره صورتی از حاصل دارایی ها و حساب نهایی تنظیم خواهد نمود. هزینه توقف که به موجب آیین نامه تعیین می شود و هزینه تصفیه قبلاً موضوع می شود. صورت تقسیم و حساب

نهایی در مدت ۱۰ روز در دسترس بستانکاران قرار گرفته و مراتب به اطلاع آنان خواهد رسید. به علاوه خلاصه‌ای از صورت مربوط به سهم هر یک برای آنها فرستاده خواهد شد.

همان‌طور که گفته شده است (کاویانی، ۱۳۹۱: ۱۰۹-۱۰۸)، قانون‌گذار از مطالبات اداره تصفیه عبارت‌های مبهمی از جمله «مخارج اداره امور ورشکستگی در ماده ۵۲۲ قانون تجارت»، «حق الزحمه مدیر تصفیه در ماده ۴۴۲ قانون تجارت»، «هزینه توقف و هزینه تصفیه در ماده ۴۶ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی»، «هزینه ورشکستگی در ماده ۲۳ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی» و «هزینه امور ورشکستگی در ماده ۵۲ قانون اخیر» از هزینه‌هایی سخن می‌گوید که در طبقه مادون مطالبات دارای وثیقه و مافوق مطالبات با حق رجحان و عادی قرار می‌گیرند. هزینه‌های مربوط به تصفیه عبارتند: از هزینه آگهی‌ها در روزنامه رسمی و کثیرالانتشار، هزینه‌های مربوط به انعقاد قراردادها، اقامه دعوا، پرداخت مالیات‌ها و اداره اموال. بر اساس ماده ۲ تصویب‌نامه (شماره ۱۷۰۳ مورخ ۱۳۱۹/۲/۱۴ هیأت وزیران، با اصلاحات بعدی)، «هزینه امور ورشکستگی به حاصل ویژه دارایی ورشکسته تعلق گرفته و هزینه‌های مربوط به اقامه دعاوی و انعقاد معاملات و پرداخت مالیات‌ها و عوارض و اداره کردن اموال و مطبوعات و غیره مشمول هزینه امور ورشکستگی نبوده و پیش از تقسیم وجوه حاصله از دارایی ناویژه کسر خواهد شد». مطابق ماده ۱ همین تصویب‌نامه:

پس از آنکه حاصل دارایی ورشکسته اعم از آنچه که در موقع برداشتن صورت اموال موجود بوده یا آنچه که بعداً مشخص شده معلوم گردیده و قبل از تقسیم وجوه حاصله بین صاحبان سهام، اداره تصفیه مبلغی به عنوان هزینه امور ورشکستگی به شرح زیر احتساب و برداشت خواهد نمود: تا مبلغ ده میلیون ریال صدی ۹ و نسبت به مازاد آن تا بیست میلیون صدی ۸ و نسبت به مازاد آن صدی ۷ دریافت می‌شود.

حد نصاب‌های مذکور در بند ۷ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مصوب ۱۳۷۴، مجدداً به این نحو افزایش یافتند: تا مبلغ ۱۰ میلیون ریال (۹ درصد) و نسبت به مازاد آن تا بیست میلیون ریال (۸ درصد) و مازاد آن (۷ درصد) تعیین شده است.

مطابق ماده ۲۳ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی «اگر به نظر اداره حاصل فروش اموالی که صورت آنها برداشته شده کافی برای پرداخت هزینه ورشکستگی نباشد، اداره اقدام به تصفیه اختصاری می‌نماید...».

۴- توزیع عایدات و ختم عملیات تصفیه

۴-۱- حقوق امریکا

۴-۱-۱- در بانک‌های بیمه شده

هنگام ورشکستگی بانک، اموال و مسئولیت‌های بانک به مدیر تصفیه منتقل می‌شود. مسئولیت مدیر تصفیه این است که ارزش خالص دارایی‌های بانک را برای پاسخ‌گویی به طلبکاران به بیش‌ترین میزان خود برساند. مدیر تصفیه عواید حاصل از فروش اموال بانک را میان طلبکاران بانک مطابق اولویت‌های قانونی تقسیم می‌کند و سپس ختم عملیات تصفیه را اعلام می‌کند. در ایالات متحده امریکا، قانون به طور سنتی، بالاترین اولویت را به هزینه‌های اداری فرآیند تصفیه اختصاص می‌داد، اما نسبت به سپرده‌گذاران و سایر طلبکاران در طول زمان به شیوه‌های متفاوت عمل می‌شد.

بر اساس قانون بانکداری (مصوب ۱۹۳۳) سپرده‌گذاران بیمه‌شده بر سپرده‌گذاران بیمه نشده و سایر طلبکاران اولویت داشتند. قانون بانکداری (مصوب ۱۹۳۵) حق تقدیمی مشابه قانون اخیر را به تمام سپرده‌گذاران [بدون تفکیک سپرده‌های بیمه‌شده و بیمه نشده] و سایر طلبکاران می‌داد. آخرین قانون جامعی که اولویت‌ها را تغییر داد، قانون اولویت سپرده‌گذاران ملی (مصوب ۱۹۹۳) است که اولویت ادعاها علیه بانک را به شرح ذیل اعلام کرده است:

الف) هزینه‌های اداری تصفیه؛^۱

ب) ادعاهای دارای حق وثیقه؛^۲

ج) سپرده‌های داخلی (ملی) اعم از بیمه‌شده و بیمه‌نشده؛^۳

د) سپرده‌های خارجی و ادعاهای طلبکاران عادی؛^۴

ه) ادعاهای طلبکاران وابسته؛^۵

و) سهام‌داران^۱ (Marino & Bennett, 1990: 20).

^۱ Administrative expenses of the receiver

^۲ Secured claims

^۳ Domestic deposits, both insured and uninsured

^۴ Foreign deposits and other general creditor claims

^۵ Subordinated creditor claims

در ادامه به شرح این طبقه‌بندی پرداخته می‌شود:

الف) طلبکاران دارای حق وثیقه

تعیین تکلیف برای ادعاهای موثق در فرآیند تصفیه شرکت بیمه سپرده فدرال همانند ادعاهای موثق در فرآیند ورشکستگی است. طلبکار با حق وثیقه طلبکاری است که در مقابل خدمتی که به بانک ارائه داده است، مالی را از بانک به عنوان وثیقه دریافت می‌کند. بنابراین، این طلبکار در برابر بانک ورشکسته برای مطالبه طلبش می‌تواند به وثیقه‌ای که بانک برایش فراهم کرده است، استناد کند. لازم است ذکر شود که اولویت طلبکاران دارای حق وثیقه نسبت به سایر طلبکاران فقط تا میزان ارزش مال مورد وثیقه است^۲ و در نتیجه اگر ارزش مال مورد وثیقه کم‌تر از مقدار طلب طلبکار باشد، طلبکار برای باقیمانده طلبش طلبکار عادی محسوب می‌شود (Ragalevsky & Ricardi, 2009: 889).

ب) سپرده‌های داخلی (بیمه‌شده و بیمه‌نشده)

بین سال‌های ۱۸۶۵ تا ۱۹۳۳، با سپرده‌گذاران بانک‌های ملی و بانک‌های ایالتی همانند سایر طلبکاران رفتار می‌شد؛ به این بیان که پس از اینکه اموال بانک نقد می‌شد سپرده‌گذاران مثل سایر طلبکاران وارد هیأت طلبکاران می‌شدند. به طور متوسط در سطح فدرال حدود شش سال طول می‌کشید تا اموال بانک ورشکسته نقد می‌شدند، پول حاصل بین سپرده‌گذاران و سایر طلبکاران تقسیم می‌شد و صورت حساب‌های بانک بسته می‌شد. حتی زمانی که سپرده‌گذاران از حاصل تقسیم اموال، وجوه خود را دریافت می‌کردند، این مبلغ به طور قابل توجهی کم‌تر از مبلغی بود که به بانک سپرده بودند. بین سال‌های ۱۹۲۱ تا ۱۹۳۰ بیش از ۱۲۰۰ بانک ورشکست و تصفیه شدند. هنگام تصفیه بانک‌های ورشکسته، سپرده‌گذاران بانک‌های ایالتی حدود ۶۲٪ از سپرده‌هایشان را دریافت کردند و سپرده‌گذاران بانک‌های فدرال حدود ۵۸ درصد از سپرده‌هایشان را دریافت کردند. با موج ورشکستگی بانک‌ها در ایالات متحده آمریکا که از سال ۱۹۲۹ آغاز شد، این امر به اثبات رسید که فقدان نقدینگی که در نتیجه روند حل و فصل ورشکستگی‌های بانکی بود، باعث بی‌ثباتی و رکود اقتصادی ایالات متحده آمریکا شد (Barmer, 1935: Ch. IV and V).

¹ Shareholders

² Value of the collateral securing the claim

در پی این تحولات، در ۱۰ آگوست سال ۱۹۹۳ قانون اولویت سپرده‌گذاران ملی مقرر داشت: در ایفای تعهدات بانک‌های ورشکسته، سپرده‌های داخل^۱ نسبت به سایر سپرده‌ها و دیگر طلبکاران اولویت دارند (Thomson, 1994: 1-4). منظور از سپرده‌های داخلی که بر سایر سپرده‌ها و مطالبات مقدم هستند، سپرده‌های سپرده‌گذاران مقیم ایالت‌های امریکا است و در مقابل سپرده‌های خارجی، یعنی سپرده سپرده‌گذارانی که در خارج از ایالات متحده امریکا هستند، به کار می‌رود. نتیجه اعمال این قانون این است که سپرده سپرده‌گذاران داخلی (سپرده‌های بیمه‌شده و بیمه‌نشده) باید پیش از سایر طلبکاران پرداخت شود. این امر به این معنی است که شرکت بیمه سپرده فدرال به عنوان بیمه‌گر سپرده‌گذاران، سپرده‌های بیمه‌شده را تا سقف ۲۵۰ هزار دلار از محل ذخیره‌های صندوق بیمه سپرده فدرال، پرداخت می‌کند (Kaufman, 2004: 237-249). شرکت مذکور در این زمینه سه شیوه مرسوم را پیگیری می‌کند که در ادامه به توضیح هر یک می‌پردازیم:

الف) پرداخت مستقیم سپرده: در این شیوه شرکت بیمه سپرده فدرال میزان سپرده‌های بیمه‌شده را تعیین می‌کند و به طور مستقیم به سپرده‌گذاران پرداخت می‌کند. به محض تعیین سپرده‌های بیمه‌شده بانک، شرکت مذکور برای هر سپرده‌گذار یک چک ارسال می‌کند. شرکت بیمه سپرده فدرال به عنوان مدیر تصفیه تمام دارایی‌ها و تعهدات بانک متوقف را در اختیار دارد (Federal deposit insurance corporation, 2016: 16).

ب) انتقال سپرده بیمه‌شده: در این شیوه سپرده‌های بیمه‌شده بانک متوقف به یک مؤسسه با عنوان «مؤسسه عامل»^۲ انتقال پیدا می‌کند و اجازه پرداخت جبرانی به سپرده‌گذاران بانک مذکور از طریق مؤسسه عامل صادر می‌شود. مشتریان می‌توانند درخواست استرداد سپرده یا افتتاح حساب جدید در مؤسسه عامل را داشته باشند. البته از این شیوه به ندرت استفاده می‌شود. در این روش، شرکت بیمه سپرده فدرال مبلغی را که باید به هر یک از سپرده‌گذاران بیمه‌شده پرداخته شود، تعیین می‌کند. سپس شرکت مذکور توافقی با یک بانک سالم ترتیب می‌دهد که طی آن بانک

¹ Domestic deposit

² Straight Deposit Payoff

³ Insured deposit transfer

⁴ Agent Institution or Transferee

مذکور موظف می‌شود سپرده‌های بیمه شده مشتریان بانک ورشکسته را پرداخت کند و این بانک یکی از طلبکاران بانک ورشکسته می‌شود. بانک مذکور این پیشنهاد را به این انگیزه قبول می‌کند که بسیاری از سپرده‌گذاران بانک ورشکسته به مالکیت او منتقل شود. شرکت بیمه سپرده فدرال از این روش به ندرت استفاده می‌کند (Ragalevsky & Ricardi, 2009: 881).

ج) بانک ملی برخوردار از بیمه سپرده:^۹ بانک ملی برخوردار از بیمه سپرده یک بانک موقت است که مجاز به افزایش سرمایه نیست. به منظور حمایت از سپرده‌گذاران، شرکت بیمه سپرده فدرال بانک مذکور را جهت اطمینان بخشی به سپرده‌گذاران ایجاد می‌کند. هدف این است که تا زمانی که بانک‌های دیگر از پذیرش تعهدات بانک متوقف خودداری می‌کنند، با ایجاد این بانک موقت، مشتریان بانک متوقف به سپرده‌های بیمه شده دسترسی داشته و نیز زمان کافی برای باز کردن حساب جدید در مؤسسه‌های تضمین شده دیگر هم در اختیار مشتریان بانک ورشکسته قرار گیرد. با استفاده از این روش انتظار می‌رود که انتقال حساب‌ها به صورت منظم‌تر برای جامعه محلی رخ دهد. قانون به شرکت بیمه سپرده فدرال اجازه داده است که بانک ملی مربوطه را با دوره فعالیت حداکثر دو سال تأسیس کند، اما بیش‌تر بانک‌های ملی که در سال‌های اخیر به این منظور افتتاح شده‌اند، بیش‌تر از سی روز فعالیت نداشته‌اند. شرکت بیمه سپرده فدرال با مجوز «اداره حسابرسی ارز» این بانک را تأسیس می‌کند. هدف از ایجاد این بانک فراهم کردن امکان دسترسی سپرده‌گذاران به سپرده‌های خود است. تمام دارایی‌های بانک متوقف در روند تصفیه قرار می‌گیرند (Federal deposit insurance corporation, 2016: 20).

لازم است اشاره شود کنگره در توجیه تصمیم خود مبنی بر اولویت سپرده‌گذاران داخلی بر سپرده‌گذاران خارجی و سایر طلبکاران معتقد بود که ترجیح سپرده‌گذاران داخلی بر سایر سپرده‌گذاران و طلبکاران بانک ورشکسته موجب می‌شود هزینه‌های شرکت بیمه سپرده فدرال به شکل قابل توجهی کاهش یابد. در نقد این عقیده گفته شده است هرچند اولویت سپرده‌گذاران داخلی ممکن است موجب صرفه‌جویی در هزینه‌های شرکت بیمه سپرده فدرال گردد، اما این امکان هم وجود دارد که ترجیح سپرده‌گذاران ملی بر سپرده‌گذاران خارجی موجب شود که دولت‌های خارجی به نحوی عمل کنند که موجب شود شرکت بیمه سپرده فدرال، برخی از کنترل‌های خود را نسبت به فرآیند حل و فصل از دست دهد (Marino & Bennet 1999: 19).

پس از اینکه شرکت بیمه سپرده فدرال سپرده‌های بیمه شده را از محل صندوق بیمه پرداخت

کرد، باید حاصل فروش اموال بانک را بین خودش و سایر سپرده‌گذاران بیمه‌نشده تقسیم کند. به بیان دیگر، پس از اینکه ورشکستگی بانک اعلام شد، شرکت بیمه سپرده فدرال از محل ذخیره‌های صندوق بیمه سپرده فدرال، سپرده‌های بیمه‌شده را تا سقف ۲۵۰ هزار دلار پرداخت می‌کند و در این مرحله، شرکت مذکور جانشین طلبکاران بیمه‌شده می‌شود^۱ و به میزانی که به سپرده‌گذاران بیمه‌شده پرداخت کرده است، از حاصل فروش اموال بانک استیفا می‌کند. برای مثال، اگر میزان سپرده‌های بیمه‌شده ۷۵ درصد از تمام سپرده‌ها باشد، شرکت بیمه سپرده فدرال ۷۵٪ از عواید نهایی اموال جمع‌آوری شده بانک را دریافت می‌کند و ۲۵٪ باقیمانده بین سپرده‌گذاران بیمه‌نشده تقسیم می‌شود (Ambrasas, 2015: 59).

اگر ارزش اموال بیش‌تر از کل سپرده اعم از بیمه شده و بیمه نشده شوند، در این صورت است که طلبکاران عادی بانک هم در ردیف کسانی قرار می‌گیرند که می‌توانند طلبشان را دریافت کنند. پس از آن اگر چیزی هم باقی ماند به سهام‌داران بانک پرداخت خواهد شد (Ambrasas, 2015: 58-59).

ج) سپرده‌های خارجی و طلبکاران عادی

الف) سپرده‌های خارجی: سپرده‌های خارجی عبارت است از تعهدات سپرده‌ای مؤسسه‌های سپرده‌پذیر ایالات متحده آمریکا که در اداره‌هایی که خارج از ایالت‌های ایالات متحده، ناحیه کلمبیا و یا قلمرو ایالات متحده آمریکا قابل پرداخت هستند.^۲ بنابر اصولی که قانون شرکت بیمه سپرده فدرال، مطابق آنها «سپرده» را تعریف می‌کند، سپرده‌های خارجی از مزیت اولویت سپرده‌های داخلی برخوردار نیستند و بنابراین، سپرده‌های مذکور همراه با طلب طلبکاران عادی پرداخت می‌شوند (Ambrasas, 2015: 58-59).

ب) طلبکاران عادی: در ایالات متحده آمریکا، بر اساس فصل هفتم قانون ورشکستگی، طلبکار عادی کسی است که هیچ‌گونه حقی نسبت به اموال ورشکسته ندارد و برای اثبات طلبش از

^۱ FDIC (as subrogee for insured depositors)

^۲ The wording in the Federal Deposit Insurance Act, Sections (3)(1)(3), (3)(l)(5)(A), is the basis of this definition. The legislation specifically mentions the following territories of the United States: Puerto Rico, Guam, American Samoa, the Trust Territory of the Pacific Islands, the Virgin Islands, and the Northern Mariana Islands.

ورشکسته باید مدارکی را که ادعایش را ثابت می‌کند، به دادگاه ورشکستگی ارائه دهد.¹ طلبکاران عادی بدون وثیقه شامل فروشندگان، ارائه دهندگان خدمات، عرضه کنندگان، معامله کنندگان با بانک ورشکسته، ادعاهای ناشی از اجاره‌ها و ادعاهای جبران خسارات ناشی از تصمیمات تجاری بانک ورشکسته یا شرکت بیمه سپرده فدرال به عنوان مدیر تصفیه هستند. شرکت بیمه سپرده فدرال یک اخطار فوری مبنی بر بسته شدن بانک به تمام طلبکاران تجاری، کارکنان، نهادهای مالیاتی، و دیگر طلبکارانی که ممکن است از بانک وجهی طلبی داشته باشند، ارسال می‌کنند. علاوه بر این، شرکت بیمه سپرده فدرال چند ماه پس از ورشکستگی در روزنامه‌های محلی اطلاعیه‌ای مبنی بر ورشکستگی بانک منتشر می‌کند. اخطاری که برای طلبکاران بانک توسط شرکت صادر می‌شود باید شامل دستورالعمل‌ها و فرم‌های مناسب برای گنجاندن ادعا در آن علیه مدیر تصفیه باشد.

ادعاها باید مستند باشند و لازم است این اسناد به موقع ارائه شوند. این اخطار باید مهلتی را تعیین کند که طی آن ادعاهای طلبکاران باید جمع‌آوری شود. ادعاهای طلبکاران عادی باید در مدت ۱۸۰ روز توسط شرکت بیمه سپرده فدرال تأیید یا رد شود. طلبکار تأییدیه مدیر تصفیه² بر ادعایش را دریافت می‌کند و ممکن است تمام یا بخشی از طلبش را دریافت کند. به موجب قانون، پس از اینکه سپرده‌های بیمه شده پرداخت شدند، سپرده‌های بیمه نشده پرداخت می‌شوند و پس از آن طلب طلبکاران عادی پرداخت می‌شود و پس از آن هم طلب صاحبان سهام پرداخته می‌شود. در بسیاری از موارد طلبکاران عادی و صاحبان سهام یا چیزی از طلبشان دریافت نمی‌کنند یا آنچه دریافت می‌کنند بسیار ناچیز است.³

د) طلبکاران تبعی

در ایالات متحده امریکا، واژه Subordination فرآیندی است که به موجب آن طلبکار برای وصول مطالبات خود از دارایی‌های بدهکار، در اولویت‌های پایین‌تر قرار می‌گیرد (Black, 1999: defining “subordinate”)

¹ USC 11

² Receiver's Certificate

³ <https://www.fdic.gov/deposit/deposits/index.html>.

ه) سهام‌داران

سهام‌داران بانک آخرین گروه در طبقه‌بندی طلبکاران بانک ورشکسته محسوب می‌شوند. پس از پرداخت‌های فوق، اگر از حاصل فروش دارایی‌های بانک ورشکسته چیزی اضافه آمد، به سهام‌داران می‌رسد.

۲-۱-۴- توزیع عایدات و ختم عملیات تصفیه در مؤسسه‌های مهم مالی زنجیره‌ای

بخش دوم قانون داد - فرانک، وال استریت (مصوب ۲۰۱۰) فرآیندی از ادعاها علیه شرکت مالی ضعیف فراهم کرده است و قواعدی را برای تصفیه اموال، پرداخت ادعاها پیش‌بینی کرده است.^۱ ادعاها به شیوه زیر پرداخت می‌شوند:

الف) هزینه‌های اداری؛

ب) هزینه‌های دولت؛

ج) دستمزد، حقوق یا حق‌العمل کارکنان؛

د) مشارکت در برنامه مزایای کارکنان؛

ه) هرگونه مسئولیت عمومی یا خاص شرکت؛

و) هرگونه تعهد دیگر شرکت؛

ز) حقوق هیأت رئیسه و مدیران شرکت؛

ح) ایفای تعهدات سهام‌داران، اعضای شرکت، شرکای عمومی و سایر صاحبان سهام.^۲

با چشم‌پوشی از اینکه شرکت بیمه سپرده فدرال چگونه در این زمینه به‌عنوان مدیر تصفیه عمل می‌کند، مقررات اساسی خاصی را باید رعایت کند. تمام اقدامات مذکور در بخش دوم قانون داد - فرانک باید رعایت شوند تا ثبات مالی در اقتصاد کل کشور تأمین شود، نه اینکه صرفاً مصالح یک شرکت خاص [شرکت ضعیف] رعایت گردد. سهام‌داران شرکت نمی‌توانند تا زمانی که به تمام ادعاها علیه شرکت و صندوق تصفیه موقت پاسخ داده نشده است، سهم خود را دریافت کنند. طلبکاران تضمین نشده سهم خود را بر اساس فهرست اولویت‌ها دریافت می‌کنند و پس از آن هم هیأت رئیسه و سهام‌داران به مراتب پس از سایر طلبکاران از باقیمانده اموال شرکت سهم خود را

^۱ Cf: 12 U.S.C. § 5389, 12 U.S.C. § 5390 (Dodd-Frank Act §§ 210(a)(2), 209(b))

^۲ Cf: 12 U.S.C. § 5389 (Dodd-Frank Act § 209(b))

دریافت می‌کنند. مدیران و اعضای هیأت مدیره که مسئول به وجود آمدن شرایط نامساعد شرکت هستند باید حذف شوند.^۱

۴-۲- حقوق ایران

۴-۲-۱- طبقه‌بندی طلبکاران بانک ورشکسته

قانون‌گذار به منظور تقسیم حاصل فروش اموال ورشکسته طلبکاران را بر مبنای اولویت به سه دسته تقسیم کرده است که عبارتند از: طلبکاران با حق رهن، طلبکاران با حقوق ممتاز، طلبکاران عادی و طلبکاران مذکور در بند (۱) ماده ۵ دستورالعمل محاسبه سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه مؤسسات اعتباری، مصوب یک‌هزار و دویست و سی و سومین جلسه مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۳ شورای پول و اعتبار.

۴-۲-۲- تقسیم دارایی بین طلبکاران بانک ورشکسته

الف) طلبکاران با حق رهن

اگر طلبکار بانک، دارای حق وثیقه، خواه منقول یا غیر منقول باشد، از حاصل فروش مال مورد وثیقه توسط اداره تصفیه طلبش را استیفا می‌کند و در صورتی که حاصل فروش مال برای پرداخت طلبش کافی نباشد، داخل غرما می‌شود. ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی در این زمینه مقرر می‌دارد: «بستانکارانی که دارای وثیقه‌اند، نسبت به حاصل فروش مال مورد وثیقه در برگ تقسیم حاصل فروش مقدم بر سایر بستانکاران قرار داده می‌شوند».^۲

برای اینکه طلبکار بتواند از حق ترجیح نسبت به دیگر طلبکاران بهره‌مند شود، باید وجود رهن را ثابت کند. در مورد اموال غیر منقول رهن در صورتی صحیح است که مطابق مواد ۴۷ و ۴۸ قانون ثبت به ثبت رسیده باشد. در مورد اموال منقول هم رهن در صورتی درست است که مطابق ماده ۷۷۲ قانون مدنی مال مرهون به قبض مرتهن یا به تصرف کسی که بین طرفین معین می‌گردد، داده

^۱ Cf: 12 U.S.C. § 5386 (Dodd-Frank Act § 206)

^۲ ماده ۵۱۴ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «طلبکارهایی که رهنه در دست دارند فقط در صورت غرما برای یادداشت قید می‌شوند».

شود، ولی استمرار در قبض شرط نیست. هم‌چنین رهن در صورتی مورد قبول اداره تصفیه خواهد بود که در زمان توقف تاجر یا پس از آن واقع نشده باشد و در صورتی که ثابت شود پس از توقف تاجر برقرار گردیده، مشروط بر اینکه به ضرر طلبکاران تمام شود، به حکم بند ۳ ماده ۴۲۳ قانون تجارت باطل خواهد بود (اسکینی، ۱۳۸۸: ۲۰۷-۲۰۶).

ب) طلبکاران با حق ممتاز

بر اساس ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی:

... طلب‌هایی که دارای وثیقه نیستند و هم‌چنین باقیمانده طلب‌هایی که دارای وثیقه بوده و تمام آن از فروش وثیقه پرداخت نشده، به ترتیب طبقات زیر بر یکدیگر مقدمند و در تقسیم‌نامه حاصل فروش اموال متوقف این تقدم رعایت و قید می‌گردد:

طبقه اول:

الف) حقوق خدمه خانه برای مدت سال آخر قبل از توقف؛

ب) حقوق خدمتگزاران بنگاه ورشکسته برای مدت شش ماه قبل از توقف؛

ج) دستمزد کارگرانی که روزانه یا هفتگی مزد می‌گیرند برای مدت سه ماه قبل از توقف.

طبقه دوم:

طلب اشخاصی که مال آنها به عنوان ولایت یا قیمومت تحت اداره ورشکسته بوده نسبت به میزانی که ورشکسته از جهت ولایت و یا قیمومت مدیون شده است. این نوع طلب در صورتی دارای حق تقدم خواهد بود که توقف در دوره قیمومت یا ولایت و یا در ظرف یک سال پس از انقضای آن اعلام شده باشد.

طبقه سوم:

طلب پزشک یا داروفروش و مطالباتی که به مصرف مداوای مدیون و خانواده‌اش در ظرف یک سال قبل از توقف رسیده است.

طبقه چهارم:

الف) نفقه زن مطابق ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی؛

ب) مهریه زن تا میزان ده هزار ریال به شرط آنکه ازدواج اقلاً پنج سال قبل از توقف واقع شده باشد و نسبت به مازاد جزء سایر دیون محسوب می‌شود.

طبقه پنجم:

سایر بستانکاران.

به نظر می‌رسد در بین طبقه‌هایی که قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی در ماده ۵۸ ذکر کرده

است، تنها بند (الف) و (ب) طبقه نخست نسبت به بانک ورشکسته قابلیت اجرا دارد و بنابراین، باید قائل به این امر بود که حقوق کارکنان بانک ورشکسته برای مدت شش ماه قبل از توقف بر سایر طلبکاران اولویت دارد.

به جز مقررات مذکور در ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی، به موجب بند (د) ماده ۴۱ قانون پولی و بانکی کشور (مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸) «استرداد سپرده‌های پس انداز^۱ یا سپرده‌های مشابه تا میزان ۵۰ هزار ریال در درجه اول و سپرده‌های حساب جاری و سپرده‌های ثابت تا همان مبلغ در درجه دوم بر کلیه تعهدات دیگر بانک‌های منحل شده یا ورشکسته و سایر حقوق ممتاز مقدم است».

بنابراین، از نظر قانون گذار سپرده گذاران طلبکار عادی محسوب نمی شوند و قانون گذار برای آنها امتیازی نسبت به سایر طلبکاران عادی قائل شده است و بیان حکم خاص در مورد آنها نشان دهنده جایگاه ویژه سپرده گذاران بانک ورشکسته نسبت به سایر طلبکاران است و می توان بیان کرد سپرده گذاران طلبکار ممتاز محسوب می شوند. به هر حال، همان گونه که ملاحظه می شود، مبلغی که قانون گذار برای تقدم سپرده گذاران بر سایر طلبکاران بانک ورشکسته پیش بینی کرده است، در حال حاضر بسیار ناچیز است.

ج) طلبکاران عادی

به جز طلبکارانی که به عنوان طلبکار با حق وثیقه و حق رجحان گفته شد، طلبکاران دیگر طلبکار عادی تلقی می شوند که در ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی در طبقه پنجم قرار گرفته اند. هم چنین، طلبکارانی که دارای حق وثیقه هستند، ولی حاصل فروش مال مورد وثیقه برای ادای طلب آنها کافی نیست هم به نسبت آنچه از طلب آنها باقی مانده است، جزء طلبکاران عادی قرار می گیرند (اسکینی، ۱۳۸۸: ۲۰۱۵). پس از تأدیه دیون متعلق به بستانکاران با حق وثیقه و

^۱ به موجب ماده ۵ آیین نامه فصل دوم قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) تحت عنوان آیین نامه تجهیز منابع پولی (مصوب ۱۳۶۲/۹/۲۷ هیأت وزیران) از تاریخ اجرای قانون قبول هر گونه وجه به حساب های پس انداز موجود مجاز نمی باشد. بانک ها با موافقت صاحبان حساب های پس انداز موجود به تدریج تا پایان سال ۱۳۶۳ نسبت به تبدیل این حساب ها به یکی از انواع سپرده های موضوع ماده ۳ قانون اقدام خواهند نمود. با انقضای مدت مذکور، سپرده های پس انداز موجود که تبدیل به عناوین جدید نشده باشند، حساب پس انداز قرض الحسنه تلقی می شوند.

بستانکاران با حق تقدم، اگر چیزی از اموال ورشکسته باقی ماند به طلبکاران عادی می‌رسد.

در این مرحله طلبکاران بانک ورشکسته عبارتند از:

(۱) صندوق ضمانت سپرده‌ها به میزانی که بابت سپرده‌های بیمه شده به سپرده‌گذاران پرداخته است؛

(۲) سپرده‌گذاران نسبت به مازاد مقدار بیمه شده سپرده‌ها (۱۰۰ میلیون تومان)؛

(۲) طلبکارانی که منشأ طلبشان غیر از سپرده است؛

(۳) سهام‌داران.

در ادامه به توضیح نحوه تقسیم وجوه میان طلبکاران عادی می‌پردازیم.

الف) مطالبات صندوق ضمانت سپرده‌ها بابت پرداخت سپرده‌های ضمانت‌شده

تفاوتی که طلبکاران بانک ورشکسته با طلبکاران تاجران دیگر دارند این است که قسمت عمده‌ای از طلبکاران بانک ورشکسته سپرده‌گذاران هستند که مطابق ماده ۹۵ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰ مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵) بخشی از این سپرده‌ها بیمه می‌شوند. هرچند سپرده سپرده‌گذاران تا سقف تضمین توسط صندوق ضمانت سپرده‌ها پرداخت می‌شود، اما صندوق پس از پرداخت به عنوان یکی از طلبکاران بانک ورشکسته داخل در غرما می‌شود.

بر اساس ماده ۲۵ اساسنامه صندوق ضمانت سپرده‌ها:

صندوق به میزان پرداخت سپرده‌های ضمانت شده، جزء بستانکاران مؤسسه اعتباری ذی‌ربط قرار می‌گیرد. به این منظور صندوق پیش از اقدام به پرداخت سپرده‌های مشمول ضمانت سپرده‌گذاران مؤسسه اعتباری، سازوکاری را اتخاذ می‌نماید تا با موافقت مکتوب مؤسسه اعتباری و هر یک از سپرده‌گذاران، تمامی حقوق مربوط به مطالبات سپرده‌گذاران از مؤسسه اعتباری ذی‌ربط، تا سقف‌های پرداخت‌شده به آنها، به صندوق انتقال یابد.

بنابراین، صندوق به میزانی که سپرده‌های ضمانت شده را پرداخت کند، در ردیف طلبکاران مؤسسه اعتباری ورشکسته قرار می‌گیرد. ماده ۱۷ دستورالعمل اجرایی نحوه ایفای تعهدات صندوق ضمانت سپرده‌ها در بازپرداخت سپرده‌های سپرده‌گذاران مؤسسه اعتباری ورشکسته (مصوب جلسه مورخ ۱۳۹۶/۵/۱۸ دوازدهمین جلسه هیأت امنای صندوق) مقرر می‌دارد: «صندوق در اجرای ماده ۲۵ اساسنامه موظف است دو فرم و رسید به شرح زیر تنظیم نماید:

۱. فرم (الف) برای انتقال حقوق قانونی مربوط به بازپرداخت سپرده‌های تحت تضمین سپرده‌گذاران مؤسسات اعتباری هرگاه ورشکست شوند.

تبصره- به منظور تمهید اجرای مفاد ماده ۲۵ «اساسنامه صندوق ضمانت سپرده‌ها» هیأت مدیره و مدیر عامل کلیه مؤسسات اعتباری موظفند نسبت به تکمیل و امضای فرم شماره الف اقدام و فرم مذکور را به صندوق ارائه نمایند.

۲. فرم (ب) مؤسسه اعتباری عامل موظف است به هنگام بازپرداخت سپرده‌های تحت تضمین به سپرده‌گذاران آن را به امضا و اثر انگشت سپرده‌گذار رسانده پس از پایان بازپرداخت سپرده‌ها آنها را به صندوق تحویل نمایند.

۳. مؤسسه اعتباری عامل موظف است رسید پرداخت را با هماهنگی صندوق، ناظر بر دریافت سپرده تضمین شده توسط سپرده‌گذار تهیه و به هنگام پرداخت به امضا و اثر انگشت سپرده‌گذار برساند.

ب) سپرده‌گذاران نسبت به مازاد مقدار بیمه شده سپرده‌ها (۱۰۰ میلیون تومان)

با تصویب ماده ۹۵ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه و تشکیل صندوق ضمانت سپرده‌ها تصمیم‌گیری در خصوص مقدار مازاد سپرده‌های بیمه‌شده و سایر سپرده‌های بیمه‌نشده در هاله‌ای از ابهام رفته است. مبلغ پیش‌بینی شده در بند «د» ماده ۴۱ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ که مقرر می‌دارد: «استرداد سپرده‌های پس‌انداز یا سپرده‌های مشابه تا میزان پنجاه هزار ریال در درجه اول و سپرده‌های حساب جاری و ثابت تا همان مبلغ در درجه دوم بر کلیه تعهدات دیگر بانک منحل شده یا ورشکسته و سایر حقوق ممتازه مقدم است» که به نظر می‌رسد هم اکنون بسیار ناچیز است.

همان‌طور که پیش‌تر هم گفته شد، ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا (مصوب ۱۳۶۲/۶/۸) انواع سپرده‌ها را به دو گروه تقسیم کرده است:

الف) سپرده‌های قرض‌الحسنه: پیش‌تر هم گفته شد که ماهیت سپرده‌های قرض‌الحسنه قرض است و بانک به سپرده‌گذار مدیون است، همچنان که در عمل، در ترازنامه بانک‌ها سپرده‌های قرض‌الحسنه در ستون بدهی‌های بانک نشان داده می‌شوند. بنابراین، چون سپرده‌های پس‌انداز به مالکیت بانک درمی‌آیند، زمانی که بانک ورشکست شد، سپرده‌گذار که جزء طلبکاران بانک محسوب می‌شود، نسبت به مقدار مازاد بر سپرده بیمه شده‌اش داخل در غرمای بانک ورشکسته

می‌شود.

ب) سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار:^۱ نکته‌ای که لازم است در اینجا اشاره شود، این است که بند (د) ماده ۴۱ قانون پولی و بانکی کشور (مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸) که صاحبان سپرده‌ها را در دریافت سپرده‌شان به میزان مقرر شده بر سایر بستانکاران بانک ورشکسته مقدم کرده است، پیش از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) بوده است و بنابراین، در خصوص ماهیت این دسته از سپرده‌ها تردیدی وجود نداشت و مانند سپرده‌های پس‌انداز به مالکیت بانک درمی‌آمدند و سپرده‌گذار به همان میزان از بانک طلبکار می‌شد؛ اما با تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا در سال ۱۳۶۲، قانون‌گذار به منظور جمع دو هدف که عبارتند از: تشویق اشخاص به سپرده‌گذاری بلند مدت از طریق پرداخت سود به ایشان و پرهیز از ورود ایراد شرعی عنوان ربا بر سودهای مذکور، طی تبصره ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا (مصوب ۱۳۶۲/۶/۸ مجلس شورای اسلامی)^۲ بیان کرد که بانک به عنوان وکیل سپرده‌گذار این اختیار را پیدا می‌کند که وجوه سپرده‌گذاران را صرفاً در قالب عقود معین در چرخه اقتصاد به گردش درآورد. مفاد تبصره بیان‌کننده این است که سپرده‌های مدت‌دار به مالکیت بانک در نمی‌آیند و بنابراین، جزء بدهی‌های بانک محسوب نمی‌شوند، بلکه جزء اموالی هستند که از سوی دیگران به بانک امانت سپرده شده‌اند. در نتیجه، مطابق مقررات قانون تجارت ممکن است در ابتدا به این امر قائل شویم که صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری با توجه به ماده ۵۲۹ قانون تجارت (مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳) که مقرر می‌دارد: «مال التجاره‌هایی که در نزد تاجر ورشکسته امانت بوده یا به مشارالیه داده شده است که به حساب صاحب مال التجاره به فروش برساند، مادام که عین آنها کلاً یا جزئاً نزد ورشکسته موجود یا نزد شخص دیگری از طرف تاجر مزبور امانت یا برای فروش گذارده شده و موجود باشد، قابل استرداد است»، چون پولشان در بانک امانت است، به میزان مبلغی که در بانک موجود است پیش از سایر طلبکاران طلب خود را اخذ می‌کنند و داخل در غرما نمی‌شوند و نسبت به میزان

^۱ مطابق ماده ۶ آیین‌نامه فصل دوم قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) تحت عنوان آیین‌نامه تجهیز منابع پولی (مصوب ۱۳۶۲/۹/۲۷ هیأت وزیران) بانک‌ها سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را به صورت سپرده سرمایه‌گذاری

کوتاه‌مدت و بلندمدت قبول می‌کنند.

^۲ مجموعه قوانین ۱۳۶۲، ص ۳۴۱-۳۳۶.

مازاد از سپرده‌ها داخل در غرما می‌شوند؛ اما همان‌طور که پیش‌تر هم ذکر کردیم (ر.ک. شیروانی، ۱۳۹۸: ۱۵۸-۱۶۱).

قرارداد بین بانک و سپرده‌گذار سرمایه‌گذاری عقد غیر معینی است که مطابق قانون رابطه‌امانی بین طرفین تشکیل می‌شود و نحوه شکل‌گیری امانت در این عقد غیر معین را به این صورت می‌توان توجیه کرد که این امانت، امانت عین مال نیست، بلکه امانت «ارزش و مالیت مال» است. بنابراین، باید گفت که هر چند سپرده‌های سرمایه‌گذاری نزد بانک امانت هستند، اما امانت عین خارجی نیستند و در نتیجه سپرده‌گذاران سرمایه‌گذاری نمی‌توانند با استناد به ماده ۵۲۹ قانون تجارت، مدعی شوند که پول آنها باید پیش از سایر سپرده‌گذاران پرداخته شود و سپرده‌گذاران مذکور مانند سایر سپرده‌گذاران باید وارد غرما شوند.

ج) طلبکارانی که منشأ طلبشان غیر از سپرده است و سهام‌داران

در مورد طلبکارانی که منشأ طلبشان به غیر از سپرده‌گذاری نزد بانک ورشکسته باشد، همان مقررات ورشکستگی مندرج در قانون تجارت (مصوب ۱۳۱۱) و قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸ قابل اجرا است. سهام‌داران طلبکار بانک محسوب می‌شوند ولی در غرما وارد نمی‌شوند.

د) طلبکاران مذکور در بند (۱) ماده ۵ دستورالعمل محاسبه سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه مؤسسات اعتباری

مطابق بند (۱) ماده ۵ دستورالعمل محاسبه سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه مؤسسات اعتباری، مصوب یک هزار و دویست و سی و سومین جلسه مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۳ شورای پول و اعتبار: «سرمایه لایه (۲) به شرح زیر می‌باشد:

۱-۵. بدهی ایجاد شده ناشی از انتشار اوراق بدهی توسط مؤسسه اعتباری و صرف هر یک از

آنها و همچنین سایر بدهی‌های مؤسسه اعتباری، مشروط به برخورداری از معیارهای زیر است:

۱-۱-۵. مدت زمان باقیمانده تا سررسید آن حداقل پنج سال باشد.

۲-۱-۵. تماماً پرداخت شده باشد.

۳-۱-۵. دارندگان آن تحت هیچ شرایطی حق دریافت سود اوراق مذکور را زودتر از موعد

تعیین شده نداشته باشند.

۴-۱-۵. در صورت تصفیه و ورشکستگی مؤسسه اعتباری، مطالبات دارندگان این اوراق، پس

از مطالبات سپرده‌گذاران و سایر بستانکاران مؤسسه اعتباری پرداخت شود و همچنین مشمول هیچ‌گونه ترتیبات دیگری که موجب ایجاد حق تقدم نسبت به سایر بستانکاران مؤسسه اعتباری شود، قرار نگیرد.

۵-۱-۵. توسط مؤسسه اعتباری و یا اشخاص مرتبط با آن تضمین نشده باشد.

۵-۱-۶. بازخرید اوراق حداقل تا پنج سال پس از انتشار تحت هیچ شرایطی امکان‌پذیر نباشد. بازخرید آن پس از مدت مذکور و با اخذ تأییدیه مکتوب بانک مرکزی امکان‌پذیر خواهد بود؛ مشروط بر اینکه پس از بازخرید، حدود تعیین شده در ماده ۶ این دستورالعمل، کماکان توسط مؤسسه اعتباری رعایت گردد.

۵-۱-۷. توسط اشخاص حقوقی مرتبط با مؤسسه اعتباری خریداری نشده باشد.

۵-۱-۸. منابع مالی لازم برای خرید آن توسط مؤسسه اعتباری تأمین نشده باشد.

نتیجه‌گیری

در حقوق امریکا، ناظران بانکی به ندرت بانک ورشکسته را تصفیه می‌کنند و دلیل آن هم این است که تصفیه روشی زمان‌بر و پرهزینه است و تنها زمانی از این روش استفاده می‌کنند که هیچ یک از روش‌های حل و فصل (گزیر) برای بانک ورشکسته قابل اعمال نباشد. اما در حقوق ایران، با توجه به سکوت قوانین پولی و بانکی، در صورتی که بانکی از سوی دادگاه صالح ورشکست اعلام گردد، وارد فرآیند تصفیه می‌شود و به ناچار باید تصفیه گردد. فرآیند تصفیه بانک در حقوق امریکا و ایران شباهت‌های زیادی دارند.

تفاوت عمده این دو نظام حقوقی در مرجع تصفیه است. به این بیان که در حقوق امریکا شرکت بیمه سپرده فدرال علاوه بر اینکه ناظر نظام بانکی و مرجع بیمه‌گر سپرده‌ها است، مدیر تصفیه بانک ورشکسته هم محسوب می‌شود و دادگاه در این زمینه نقش چندانی ندارد.

تفاوت مهم دیگر در فرآیند تصفیه در حقوق امریکا و ایران در اولویت‌های سپرده‌گذاران است. همان‌طور که ملاحظه شد، در حقوق امریکا، شرکت بیمه سپرده فدرال ابتدا هزینه‌های تصفیه و طلب‌های با وثیقه را پرداخت می‌کند و پس از آن ابتدا مازاد سپرده‌های بیمه شده و سپس سپرده‌های بیمه نشده داخلی را به طور کامل پرداخت می‌کند. اما در حقوق ایران با توجه به اینکه میزان پیش‌بینی شده در بند (د) ماده ۴۱ قانون پولی و بانکی کشور برای مقدم کردن سپرده سپرده‌گذاران بر سایر تعهدات بانک ورشکسته بسیار ناچیز است، سپرده‌گذارانی که سپرده‌هایشان

که از سقف تضمین تجاوز می‌کنند، در ردیف سایر طلبکاران عادی قرار می‌گیرند.

نکته‌ای که در خصوص بانک‌های ورشکسته‌ای که وارد فرآیند تصفیه می‌شوند باید در نظر داشت این است که تفاوت بانک با سایر تاجران در این است که در این مرحله نمی‌توان از طلبکارها به عنوان یک مجموعه با منافع مشابه یاد کرد. چرا که در مورد بانک‌های ورشکسته دولت، بانک مرکزی، صندوق ضمانت سپرده‌ها، سپرده‌گذاران و ... وجود دارند که به لحاظ مصالح اقتصادی کشور با طلبکاران سایر شرکت‌های تجاری متفاوت هستند. به بیان دیگر، اگر قانون‌گذار نخواهد به نحوی متفاوت با هیأت طلبکاران بانک ورشکسته رفتار کند، ممکن است منافع اقتصادی کشور آسیب ببیند.

برای مثال، مطابق اساسنامه صندوق ضمانت سپرده‌ها، صندوق پس از پرداخت سپرده‌ها تا میزان مقرر شده، بدون هیچ اولویتی در ردیف طلبکاران بانک ورشکسته قرار می‌گیرد. حال اگر برای پرداخت بدهی صندوق ضمانت سپرده‌ها اولویتی وجود نداشته باشد، ممکن است بدهی صندوق پرداخت نشده بماند و در این صورت دولت مجبور به جبران این کسری است. چنان‌که تبصره ماده ۵ اساسنامه صندوق ضمانت سپرده‌ها بیان می‌کند که بانک مرکزی در صورت عدم تکافوی منابع صندوق برای ایفای تعهدات می‌تواند پس از تأیید هیأت عامل بانک مرکزی و تصویب هیأت وزیران، بخشی از منابع مالی صندوق را به صورت تسهیلات تأمین کند. هم‌چنین، اگر بانک مرکزی به عنوان آخرین وام‌دهنده به بانک ورشکسته کمکی کرده است، پرداخت بدهی بانک مرکزی به عنوان بدهی ناشی از توانمندسازی بانک باید بر سایر بدهی‌های بانک مقدم باشد.

هم‌چنین، با توجه به اهمیت بازپرداخت سپرده‌ها در جلوگیری از پدیده هجوم بانکی و در نتیجه پیشگیری از ورشکستگی نظام بانکی کل کشور، قانون‌گذار پس از پرداخت بدهی صندوق ضمانت سپرده‌ها بابت پرداخت سپرده‌های بیمه شده، ابتدا سپرده‌های پس‌انداز مازاد بر سقف تضمین صندوق ضمانت سپرده‌ها را پرداخت کند. همان‌طور که پیش‌تر هم گفته شد، ماهیت این سپرده‌ها قرض است و به مالکیت بانک در می‌آیند که قانون‌گذار می‌تواند بنا بر مصالح نظام بانکی پرداخت این سپرده‌ها را در اولویت قرار دهد. پس از پرداخت سپرده‌های پس‌انداز مازاد بر سقف تضمین صندوق ضمانت سپرده‌ها، لازم است که سپرده‌های سرمایه‌گذاری مازاد بر سقف تضمین صندوق ضمانت سپرده‌ها پرداخت شوند. پس از آن اگر از اموال بانک چیزی باقی ماند، بدهی

سایر طلبکاران پرداخت گردد.

منابع

- اسکینی، ربیعا. (۱۳۸۸) *حقوق تجارت: ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته*، تهران: انتشارات سمت.
- ستوده تهرانی، حسن. (۱۳۹۳) *حقوق تجارت*، تهران: انتشارات دادگستر.
- شیروانی، خدیجه. (۱۳۹۸) «بررسی نظام حقوقی حاکم بر ورشکستگی بانک‌ها (مطالعه تطبیقی در حقوق امریکا، ایران، با تأکید بر موازین فقه امامیه»، رساله دکتری، دانشگاه شهید مطهری.
- صقری، محمد. (۱۳۸۸) *حقوق بازرگانی «ورشکستگی»*، تهران: شرکت سهامی انتشار،
- کاویانی، کوروش. (۱۳۹۱) *حقوق ورشکستگی*، تهران: نشر میزان.
- Ambrasas, Tomas. (2015) *Bank Resolution Regime. Balancing Private and Public Interests, A Comparative Analysis*, Doctoral Dissertation, Vilnius, Basel.
- Black, H.C. (1999) *Black's Law Dictionary*, Editor: Bryan A. Garner, 7th ed., West Publishing Company.
- Bremer, C.D. (1935) *American Bank Failures*, New York: Columbia University Press.
- Federal Deposit Insurance Corporation. (2016) *Financial Institution Employee's Guide to Deposit Insurance*.
- <https://www.fdic.gov/deposit/deposits/index.html>.
- Kaufman, George. (2004) "Depositor Liquidity and Loss Sharing in Bank Failure Resolutions", *Contemporary Economic Policy*.
- Marino, James A, & Rosalind L. Bennett. (1999) "The Consequences of National Depositor Preference, *FDIC Banking Review*, Volume 12, No. 2.
- Ragalevsky, Stanly V. & Sarah J. Ricardi, (December 2009) "Anatomy of a Bank Failure", *Banking Law Journal*.
- Thomson, James B. (1994) "The National Depositor Preference Law," *Federal Reserve Bank of Cleveland Economic Commentary*.